

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۱

تبیین نقش شهرهای کوچک در توسعه منطقه ای استان آذربایجان غربی؛ (مطالعه موردی: شهرهای ۵۰ - ۲۵ هزار نفر)

میر نجف موسوی

دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

مارال رحیمی*

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی آمایش سرزمین، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

چکیده

هدف مقاله، بررسی نقش شهرهای کوچک استان آذربایجان غربی در توسعه منطقه ای است. روش تحقیق «توصیفی - تحلیلی» است. استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۹۰ دارای پنج شهر کوچک (۵۰ - ۲۵ هزار نفر جمعیت) به نامهای تکاب، ماکو، سردشت، شاهین دژ و اشنویه است که حدود ۱۰.۳۵ درصد از جمعیت شهری استان را شامل می شوند. در این میان شهر سردشت بیشترین ضریب کشش پذیری و جذب جمعیت را دارا بوده است. تایج شاخصهای نخست شهری به کار رفته نشان می دهد که پدیده نخست شهری استان در سالهای اولیه مورد مطالعه (۱۳۳۵)، چندان چشمگیر نبوده اما بعد از سال ۱۳۷۵ شدت این نخست شهری تا سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. بر اساس نتایج مدل رتبه - اندازه تعدیل یافته، شهر ارومیه حدود ۲۱۹۳۸۳ نفر اضافه جمعیت و شهر دوم (خوی) حدود ۲۳۱۰۰ نفر کمبود جمعیت دارد (و الی آخر) تا در یک سلسله مراتب منظم شهری قرار گیرد. به لحاظ اقتصادی، نقش غالب شهرهای کوچک در سال ۱۳۹۰ خدمات بوده است. کشاورزی و صنعت در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۵ روند نزولی دارد. به طور کلی، شهرهای کوچک در نظام شهری استان تأثیرات مثبتی داشته و آنچه که کارکرد این شهرها را تا حدود زیادی کم رنگ نموده افزایش بیش از حد جمعیت و تمرکز شدید امکانات در شهر

ارومیه است. علاوه بر تمرکز زدایی از شهر ارومیه، تزیق امکانات و سرمایه به سوی شهرهای کوچک راهکار مناسبی است که با تقویت این شهرها می توان خلأ سلسله مراتب سکونتگاهی را در نظام شهری استان پر نمود.

کلمات کلیدی: شهرهای کوچک، نظام شهری، توسعه منطقه ای، استان آذربایجان غربی.

۱. مقدمه

یکی از مهمترین جنبه های توسعه اقتصادی بعد از جنگ جهانی دوم، به کارگیری نظریات اقتصاد فضا بود. این نظریات با زیربنای تفکر رشد ناموزون و رویکرد قطب رشد، از طریق تجمع زیرساخت ها و فعالیت های مولد در یک نقطه، تأثیر بسزایی بر سیاست های نظام سکونتگاهی در کشورهای جهان بر جای گذاشت و عملاً سیاست های توسعه را متوجه پدیده شهرنشینی و صنعتی شدن نمود. بروز وضعیت فوق برای کشورهای جهان به ویژه کشورهای جهان سوم، مسائل و مشکلات عدیده ای را در برداشته است (نوری و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۲).

کشور ما نیز در نیم قرن اخیر، بخصوص در سه دهه آخر آن از این قاعده مستثنی نیست و رشد شهرنشینی و افزایش شهرها و جمعیت شهری آن سرعت بیشتری یافته است (نظریان، ۱۳۷۵: ۵۰). الگوی حاکم بر نظام شبکه شهری در ایران تا اوایل سده حاضر الگویی سحابی یا کلهکشانی بود، اما از سال ۱۳۰۰ به بعد، با رشد نظام سرمایه‌داری در ایران و جایگزین شدن مازاد اقتصادی حاصل از صادرات نفت و انباشت آن در شهرهای بزرگ و خصوصاً تهران، رابطه دو سویه شهرها و روستاها به یک رابطه یک طرفه تغییر یافت و الگوی حاکم بر نظام شهری به شکل زنجیره‌ای مبدل گردید. در واقع، با انجام اصلاحات ارضی، رکود اقتصادی در روستاها و هجوم مهاجران به شهرها، بخصوص شهرهای بزرگ، آرایش نظام متعادل سکونتگاهی به هم ریخت و شهرنشینی شدید و قطبی به وجود آمد (زالی، ۱۳۸۹: ۷۸).

به دنبال این روند، برنامه‌ریزان شهری و مجریان امر منطقه‌ای به منظور تمرکززدایی از قطب‌های بزرگ شهری و در راستای تجدید سلسله‌مراتب شهری، دست به اقداماتی زده‌اند که از جمله می‌توان به ایجاد شهرهای جدید، تقویت شهرهای اقماری و تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک اشاره کرد.

با توجه به شلوغی بیش از حد شهرهای بزرگ و مشکلات ناشی از آن و هزینه گزاف احداث شهرهای جدید در ایران و عدم موفقیت کامل آنها و همچنین تقویت شهرهای اقماری که خود در دراز مدت منجر به تمرکزگرایی و فشار بیشتر بر مادرشهر می‌شود، یکی از بهترین ایده‌ها جهت تمرکززدایی توسعه همه مناطق کشور و تقویت یک شبکه شهری منظم، ایجاد شهرهای کوچک می‌باشد. به همین منظور، در طرح ایران ۱۴۰۰، به توسعه و تقویت شهرهای کوچک و مستعد با تحقق شعار ورود ایران به ۱۴۰۰ با ایجاد ۱۴۰۰ نیک شهر اسلامی مورد توجه قرار گرفته است (سرابی و اسکندری ثانی، ۱۳۸۶: ۱۶۶). استان آذربایجان غربی بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، با داشتن ۴۲

امروزه با توجه به رشد بی‌سابقه کلان شهرها در کشورهای در حال توسعه و به دنبال آن ظهور مسائل و مشکلات فراوان، که از مشخص‌ترین آنها، مشکل مسکن، کمبود امکانات و ظرفیت‌های زیست‌محیطی و آلودگی‌های مرتبط با آن است (فتی، ۱۳۸۲: ۹)؛ عده‌ای از محققین پیشنهاد کرده‌اند که برنامه ریزی‌های توسعه براساس تقویت شهرهای کوچک تهیه شود، چرا که طرفداران نظریه شهرهای کوچک در امر توسعه معتقدند که با تقویت شهرهای کوچک می‌توان توسعه را به سایر قسمت‌های منطقه تزریق نمود و به نوعی تعادل و توازن را در سطح منطقه ایجاد کرد (تقوایی و رضایی، ۱۳۸۷: ۳۸). همچنین، بر پایه ایده توسعه یکپارچه، شهرهای کوچک مقیاس بویژه از حیث جمعیتی، می‌توانند در کاهش عدم تعادل‌ها، جذب سرریزهای جمعیت شهرهای بزرگ و متوسط و جهت‌دهی مثبت به تحرکات جمعیت روستایی، سهم و جایگاهی را به خود اختصاص دهند (فتی، ۱۳۸۲: ۱۰). بررسی‌ها و تحقیقات شهری و منطقه‌ای انجام شده نشان می‌دهد، راهبرد توسعه شهرهای کوچک و متوسط می‌تواند به عنوان راهبرد محوری توسعه منطقه‌ای مورد نظر قرار گیرد. برخی از دلایل این توجه به شرح زیر است:

- جایگاه و تأثیر سلسله‌مراتبی این شهرها در شبکه شهری منطقه می‌تواند موجب توزیع جمعیت و جلوگیری از تمرکز آن شود؛

- شهرهای کوچک و میانی باعث ایجاد زمینه‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی در حوزه محلی شده که به تبع آن کاهش مهاجرت‌ها و تغییر جهت آنها از نواحی و کانون‌های شهری بزرگ‌تر را در پی دارد؛

- شهرهای کوچک با ایفای نقش بازار مرکزی حوزه نفوذ روستایی، ضمن ارائه خدمات در این زمینه، محرک مهمی در تقویت و استحکام اقتصادی نواحی روستایی پیرامون قلمداد می‌شوند (عربشاهی، ۱۳۸۶: ۱۷).

اصلی از طرح موضوع‌های مختلف در این گردهمایی، آزمودن نقش و موقعیت شهرهای کوچک در توسعه کشورهای کم‌رشد بوده است (روستایی و باقری، ۱۳۸۹: ۸). هاردوی و ساتروایت نیز در سال ۱۹۸۶، اقدام به تدوین و تألیف کتابی تحت عنوان «نقش شهرهای کوچک و متوسط در توسعه ملی و منطقه‌ای در جهان سوم» کردند که از جمله اهم نتایج آن عبارت است از:

- تأکید بر عدم تجانس شهرهای کوچک و متوسط با شهرهای بزرگ؛

- نقش مهم و کلیدی این شهرها در کنترل اداری، سیاسی و نظامی منطقه (فنی، ۱۳۸۲: ۱۷).

از دیگر تلاش‌ها در این زمینه، کار چیانگ تان (۱۹۹۱) در منطقه ونزوچین است که توسعه شهرهای کوچک و تقویت آنها در واقع قسمتی از مدل ونزو در توسعه اقتصاد منطقه‌ای است و سایر بررسی‌ها در آن به توسعه روستایی، پیوستگی و همسان سازی شهر و روستا و گسترش و بسط اقتصاد بازار بر می‌گردد (همان: ۱۸).

در ایران نیز در طرح ستیران (۱۳۵۶)، توجه به شهرهای کوچک به عنوان عامل اصلی حفظ تعادل محیطی جامعه روستایی مطرح شده است. در برنامه پنج ساله اول توسعه (۷۳-۱۳۶۹)، افزایش سرعت توسعه شهرهای کوچک و میانی و کاهش سرعت رشد کلانشهرها به عنوان عامل مهمی در توازن فعالیت و جمعیت انگاشت شده است. در برنامه دوم (۷۸-۱۳۷۴)، و سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی (۸۳-۱۳۷۹)، به حمایت از شهرهای کوچک و متوسط با تأکید بر جلوگیری از توسعه کلانشهرها پرداخته شده است (نوری و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۵ و ۶۶).

فنی (۱۳۸۲)، نقش شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای (خوزستان) را مورد مطالعه قرار داده و نتیجه گرفت که این نوع شهرها در توزیع متوازن جمعیت در سطح منطقه مؤثر هستند (فنی، ۱۳۸۲: ۸).

نقطه شهری با جمعیت ۱۹۳۲۵۴۴ نفر، دارای ۵ نقطه شهری کوچک می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰) که این شهرها با وجود داشتن حوزه نفوذ وسیع روستایی نتوانسته‌اند جایگاه مناسبی را در نظام شهری استان داشته باشند (صدر موسوی و طالب زاده، ۱۳۸۵: ۷۷). بنابراین مطالعات اولیه در مورد شهرهای کوچک استان آذربایجان غربی نشان می‌دهد که نیاز به انجام مطالعاتی از این دست وجود دارد و به نظر می‌رسد که بتوان برخی از مسائل توسعه فضایی استان را از طریق تقویت شهرهای کوچک و ارتقاء کمی و کیفی عملکردهای آنها به منظور بسط و توسعه در فضای منطقه‌ای جستجو کرد. به همین منظور مقاله حاضر در صدد است، با بهره‌گیری از مدل‌های کمی و آمارهای جمعیتی و اشتغال، نقش و جایگاه شهرهای کوچک را در نظام شهری و توسعه منطقه‌ای استان آذربایجان غربی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

۲. مروری بر ادبیات تحقیق

۲-۱. پیشینه تحقیق

شهرهای کوچک به واسطه نقش مهم و کارکردی خویش در توسعه منطقه‌ای و محلی مورد توجه بسیاری از برنامه‌ریزان توسعه منطقه‌ای قرار گرفته و پژوهش‌های متعددی در رابطه با نقش و تأثیر این شهرها بر نقاط پسرکانه روستایی در نقاط گوناگون دنیا صورت گرفته است. ایده و موضوع مطالعه تأثیر کارکردی شهرها یا نقاط شهری کوچک در سطح منطقه‌ای و محلی، اولین بار با کار جانسون (۱۹۷۰م) و بحث «مرکز توسعه روستایی» توسط فائل (۱۹۷۶) آغاز و مطرح گردید که تقریباً جدیدترین موضوع در کار توسعه منطقه‌ای بود (حسین‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷). بدون شک از طرفداران این دیدگاه، دنیس راندینلی است که با همکاری رودل در سال ۱۹۷۸، بحث عمیق و گسترده‌ای را در این زمینه با تقریر کتاب «عملکردهای شهری در توسعه روستایی» فراهم آورد. همچنین در سال ۱۹۸۲، کارشناسان بیست کشور جهان در ناگویای ژاپن گرد آمدند تا پیرامون نقش شهرهای کوچک و متوسط، در توسعه ملی بحث و گفتگو کنند. هدف

دادند. نتایج تحقیق مشخص می‌کند که شهر «سرابله» اثرات مستقیمی بر روی توسعه روستاها داشته است و موجب افزایش درآمد، مشارکت جمعی، انگیزه ماندگاری و امید به زندگی در روستاها شده است (نیک سرشت و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۳).
ابراهیم‌زاده و همکارانش (۱۳۹۱)، نقش اقتصادی زاهدشهر را در توسعه روستایی بررسی نمودند. با توجه به نتایج حاصل از تحلیل مدل‌ها، مشخص شد که این شهر کوچک با دارا بودن مراکز خدماتی نسبتاً مطلوب اداری، آموزشی، تجاری و غیره، به عنوان مرکز خرید مازاد تولیدات کشاورزی و محل ارائه خدمات مورد نیاز به ساکنین حوزه نفوذ خود، توانسته نقش مؤثری را ایفا نماید (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۱).

حسین‌آبادی و همکارانش (۱۳۹۱) نیز با استفاده از مدل‌های آماری، همبستگی بین میزان ارتباط روستاهای پیرامونی با شهر قیر و توسعه اقتصادی - اجتماعی آنها را مورد سنجش قرار دادند که نتایج حاکی از وجود همبستگی بین میزان ارتباط روستاهای پیرامونی با شهر قیر در بسیاری از شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی است (حسین‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۵).

۲-۲. مبانی نظری تحقیق

تا قبل از دهه ۱۹۷۰، نگرش به توسعه منطقه‌ای در کشورهای در حال توسعه، بر پایه برنامه ریزی‌های اقتصادی و رشد اقتصادی منطقه استوار بود. از جمله این دیدگاه‌ها، مدل‌های رشد هارود (۱۹۴۸)، دومار (۱۹۵۷)، روستو (۱۹۵۶)، رودان روزنشتاین (۱۹۴۳)، اسکیتووسکی (۱۹۵۴)، نورکس (۱۹۵۳) و هیرشمن (۱۹۵۸) را می‌توان برشمرد (ضرابی و موسوی، ۱۳۸۸: ۴). در این بین از مهمترین جنبه‌های توسعه اقتصادی بعد از پایان جنگ جهانی دوم، به کارگیری نظریات اقتصاد فضا با زیر بنای تفکر رشد ناموزون و رویکرد قطب رشد بود (محمدی‌یگانه و حسین‌زاده، ۱۳۹۲: ۵۷) که به کارگیری این نظریات در نظام فضایی - جمعیتی ایران که از برنامه اول عمرانی (۱۳۳۷) شروع شد و در برنامه چهارم عمرانی (۱۳۴۷) شدت بیشتری یافت، امکانات و سرمایه‌ها را به منظور حداکثر

صدر موسوی و طالب‌زاده (۱۳۸۵)، در پژوهشی به بررسی نقش و جایگاه شهرهای کوچک در توسعه فضایی استان آذربایجان غربی پرداخته است. براساس نتایج تحقیق، شهرهای کوچک در توزیع متعادل و متوازن جمعیت در سطح استان و تقویت اقتصاد سکونتگاههای روستایی پیرامون موفق نبوده‌اند. همچنین شهر کوچک ماکو در ارائه امکانات و خدمات شهری به نواحی روستایی پیرامون ناموفق بوده است (صدر موسوی و طالب‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۰۲-۷۵).

ضرابی و موسوی (۱۳۸۸)، نقش و کارکرد شهرهای کوچک استان یزد را در نظام شهری و توسعه منطقه‌ای آن بررسی نمود و نتایج این پژوهش حاکی از آن است که این شهرها در نظام شهری استان به لحاظ جمعیتی و اقتصادی تأثیرات مثبتی داشته‌اند. بنابراین، تقویت شهرهای کوچک و تزریق سرمایه به آنها می‌تواند راهکار مناسبی برای نیل به ساختار فضایی متعادل در سطح استان باشد (ضرابی و موسوی، ۱۳۸۸: ۱۸-۱).

روستایی و باقری (۱۳۸۹)، عملکرد شهر کوچک رزن را در توسعه منطقه پیرامون آن بررسی نمودند و نتایج نشان داد که شهر رزن از نظر شاخص‌های توسعه شهری و تنوع کارکردهای شهری توسعه یافته و موجب تراوش این توسعه به کل منطقه شده و روابط جدید و پایداری بین سکونتگاههای منطقه به وجود آورده و نیز باعث سازماندهی فضایی منطقه مورد مطالعه شده است (روستایی و باقری، ۱۳۸۹: ۵).

دیوسالار و همکاران (۱۳۸۹)، نقش و عملکرد شهر چمستان به عنوان یک شهر کوچک در توسعه روستاهای پیرامونی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که شهر چمستان در تغییرات جمعیتی سکونتگاههای روستایی پیرامون بی‌تأثیر و در جذب و بازاریابی تولیدات روستایی مؤثر و در پایداری سکونتگاههای روستایی ناموفق است (دیوسالار و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۷).

نیک‌سرشت و همکارانش (۱۳۹۱)، کارکرد شهر کوچک «سرابله» در توسعه روستاهای پیرامونی را مورد ارزیابی قرار

می‌تواند به آنها اضافه شود. اصولاً در تعیین و تعریف شهر کوچک بیشتر بر اندازه جمعیتی تأکید می‌شود که از دلایل آن محدود بودن اطلاعات در مورد دیگر ویژگی‌ها و خصوصیات این شهرها است. تعریف شهر کوچک در هر کشور و منطقه‌ای، با توجه به شرایط و مقتضیات جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی متفاوت است. دنیس راندینلی در تعریف خود از شهر کوچک که حاصل بررسی وی در مورد شهرهای مختلف جهان است، معیار جمعیتی بین ۳۰ تا ۱۰۰ هزار نفر را برای تشخیص و تعیین آن به کار برده است. سازمان ملل متحد شهر کوچک را شهری با جمعیت ۲۵ تا ۵۰ هزار نفر جمعیت بدون در نظر گرفتن فعالیت و تولید خدمات شهر دانسته است (مرصوصی و غلامی، ۱۳۸۹: ۳-۲). به طور کلی ویژگی‌های اصلی این دسته از شهرها عبارت‌اند از: - در آخرین سطح جمعیتی شبکه شهری یک کشور قرار دارند؛

- عملکرد و فعالیت عمده شهر کوچک بیشتر در ارتباط با مشاغل کشاورزی و خدماتی است؛
- دارای یک قلمرو و حوزه نفوذ روستایی است تا بتوانند یک نقش سازمانی و بازار تولید کشاورزی ایجاد کنند؛
- جمعیت آن نیز ۵۰ هزار نفر است و بهترین آستانه جمعیتی آن بین ۲۵ تا ۵۰ هزار نفر می‌تواند باشد (تقوایی و رضایی، ۱۳۸۷: ۴۰).

سازمان ملل در بررسی شهرهای جهان نورم جمعیتی را (بدون در نظر گرفتن فعالیت تولید و خدمات شهر) به شرح جدول زیر ارائه می‌دهد (صدر موسوی و طالب‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۳۹) که بر اساس این طبقه‌بندی تعداد شهر و جمعیت شهری استان آذربایجان غربی طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۳۵ نیز در این جدول آمده است (جدول ۱).

سود در نقاط خاصی متمرکز کرد و همین امر باعث شد، نقاط دیگر کشور به خصوص روستاها از نظام برنامه ریزی کشور حذف شوند. شکست نظریه قطب رشد با مهاجرت گسترده روستاییان به شهرها و افزایش جمعیت شهری و به تبع آن، ایجاد مشکلات شهری پدیدار شد (اسماعیل زاده، ۱۳۸۷: ۲۶). عدم موفقیت این استراتژی‌ها در ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای موجب شد این دیدگاه‌ها و نگرش‌ها دستخوش دگرگونی گردند، به طوری که نگرش سیستمی و یکپارچه به توسعه منطقه‌ای مورد توجه قرار گیرد (ضرابی و موسوی، ۱۳۸۸: ۴). ایده اصلی این موضوع اولین بار با کار جانسون (۱۹۷۰) و فائل (۱۹۷۶) آغاز و مطرح گردید (فنی، ۱۳۸۲: ۱۶). راندینلی (۱۹۷۶) نیز با طرح رهیافتی به نام «عملکردهای شهری در توسعه روستایی»، بر ایجاد شهرهای کوچک در پیوند عملکردی با حوزه‌های روستایی تأکید دارد تا از طریق عرضه خدمات پشتیبانی و تجاری کردن کشاورزی و توسعه صنایع مرتبط با اقتصاد روستایی، به سرریز کردن رشد در حوزه نفوذ و فضای ملی کمک کند (کلانتری و عبدالله زاده، ۱۳۹۱: ۱۵۸). رودل توسعه شهرهای کوچک و متوسط را روش مناسبی برای توسعه فضایی و ایجاد رشد اقتصادی و تعادل اجتماعی می‌داند و معتقد است که باید سرمایه‌ها را از شهرهای بسیار بزرگ به سمت شهرهای کوچک و متوسط سوق داد (ضرابی و موسوی، ۱۳۸۸: ۵).

گروهی از محققین معتقدند یک اندازه بهینه شهر وجود ندارد، بلکه باید یک نظام بهینه توزیع شهری را مورد بررسی قرار داد که در آن صورت اندازه‌های گوناگونی از شهر وجود دارد که با توجه به محل آن در نظام توزیع شهری می‌تواند در حد مطلوب باشد (زیاری و تقی اقدم، ۱۳۸۷: ۱۶). به طور کلی شهر کوچک یک نوع اندازه، وسعت و ابعاد شهر را در ذهن متبادر می‌سازد که دارای مفهوم کمی است (صدرموسوی و طالب‌زاده، ۱۳۸۵: ۷۷) ولی بار کیفی نیز

تبیین نقش شهرهای کوچک در توسعه منطقه ای استان آذربایجان غربی؛ (مطالعه موردی: شهرهای ۵۰-۲۵ هزار نفر)، ص. ۲۱-۳۶

سال	طبقه شهری		نام شهر	تعداد	جمعیت	درصد
	طبقه جمعیتی (نفر)	طبقه شهری				
۱۳۳۰ سال	روستا شهر	زیر ۲۵ هزار	مهاباد، میاندوآب، بوکان، سلماس، ماکو، شاهین دژ	۶	۵۸۹۰۲	۳۶.۶
	شهر کوچک	۲۵-۵۰ هزار	خوی	۱	۳۴۴۹۱	۲۱.۴
	شهر متوسط کوچک	۵۰-۱۰۰ هزار	ارومیه	۱	۶۷۶۰۵	۴۲
	شهر متوسط	۱۰۰-۲۵۰ هزار	-	-	-	-
	جمع	-	-	۸	۱۶۰۹۹۸	۱۰۰
	جمع	-	-	-	-	-
۱۳۴۰ سال	روستا شهر	زیر ۲۵ هزار	شاهین دژ، بوکان، ماکو، پیرانشهر، تکاب، نقده، سردشت، قره ضیاء الدین، اشنویه	۹	۱۱۲۴۹۴	۲۵.۲
	شهر کوچک	۲۵-۵۰ هزار	مهاباد، میاندوآب، سلماس	۳	۹۹۴۴۴	۲۲.۳
	شهر متوسط کوچک	۵۰-۱۰۰ هزار	خوی	۱	۷۰۳۵۷	۱۵.۷
	شهر متوسط	۱۰۰-۲۵۰ هزار	ارومیه	۱	۱۶۴۴۱۹	۳۶.۸
	شهر بزرگ میانی	۲۵۰-۵۰۰ هزار	-	-	-	-
	جمع	-	-	۱۴	۴۴۶۷۱۴	۱۰۰
۱۳۵۰ سال	روستا شهر	زیر ۲۵ هزار	قره ضیاء الدین، سیه چشمه، بازرگان، پلدشت، تازه شهر، محمدیار، ربط، چهاربرج، فیروزق، نوشین، محمودآباد، میرآباد، باروق، کشاورز، ایواوغلی، قوشچی، نالوس، آواجیق، سرو، سیلوانه، گردکشانه، سیمینه	۱۰	۱۱۳۱۳۰	۸.۶
	شهر کوچک	۲۵-۵۰ هزار	شاهین دژ، پیرانشهر، تکاب، سردشت، ماکو	۵	۱۶۹۷۰۴	۱۳
	شهر متوسط کوچک	۵۰-۱۰۰ هزار	سلماس، میاندوآب، نقده	۳	۲۲۰۳۶۴	۱۶.۷۵
	شهر متوسط	۱۰۰-۲۵۰ هزار	بوکان، خوی، مهاباد	۳	۳۷۶۸۰۳	۲۸.۶۵
	شهر بزرگ میانی	۲۵۰-۵۰۰ هزار	ارومیه	۱	۴۳۵۲۰۰	۳۳
	شهر بزرگ	۵۰۰ هزار تا یک میلیون نفر	-	-	-	-
جمع	-	-	۲۲	۱۳۱۵۲۰۱	۱۰۰	
۱۳۶۰ سال	روستا شهر	زیر ۲۵ هزار	آواجیق، ایواوغلی، باروق، بازرگان، پلدشت، تازه شهر، چهاربرج، خلیفان، دیزج دیز، ربط، زرآباد، سرو، سیلوانه، سیمینه، سیه چشمه، شوط، فیروزق، قره ضیاء الدین، قطور، قوشچی، کشاورز، گردکشانه، محمدیار، محمودآباد، مرنگنلر، میرآباد، نازک علیا، نالوس، نوشین	۲۹	۱۹۰۲۶۶	۹.۸۵
	شهر کوچک	۲۵-۵۰ هزار	تکاب، ماکو، سردشت، شاهین دژ، اشنویه	۵	۲۰۰۰۷۷	۱۰.۳۵
	شهر متوسط کوچک	۵۰-۱۰۰ هزار	پیرانشهر، سلماس، نقده	۳	۲۳۲۷۹۵	۱۲.۰۵
	شهر متوسط	۱۰۰-۲۵۰ هزار	بوکان، خوی، مهاباد، میاندوآب	۴	۶۴۱۹۰۷	۳۳.۲۳
	شهر بزرگ میانی	۲۵۰-۵۰۰ هزار	-	-	-	-
	شهر بزرگ	۵۰۰ هزار تا یک میلیون نفر	ارومیه	۱	۶۶۷۴۹۹	۳۴.۵۶
جمع	-	-	۴۲	۱۹۳۱۵۸۲	۱۰۰	

(منبع: صدر موسوی و طالب زاده، ۱۳۸۸: ۱۳۹ و نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰-۱۳۳۵)

۳. روش شناسی تحقیق

۴۶ دقیقه شمالی و طول‌های ۴۴ درجه و ۳ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۲۳ دقیقه شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است. در سال ۱۳۹۰ دارای ۱۷ شهرستان، ۴۰ بخش و ۱۱۳ دهستان بوده است. تعداد نقاط شهری این استان در سال مزبور ۴۲ نقطه و تعداد آبادی‌های دارای سکنه آن ۳۲۶۶ نقطه به ثبت رسیده است. جمعیت نقاط شهری ۱۹۳۲۵۴۴ نفر و جمعیت نقاط روستایی ۱۱۴۸۰۳۲ نفر می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). شکل (۱) موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

۱. یافته‌های تحقیق

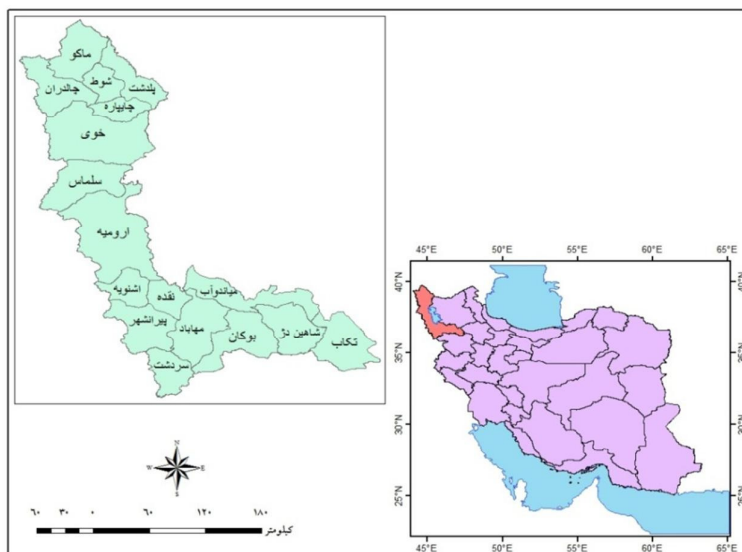
۵-۱. شهرهای کوچک استان آذربایجان غربی

برابر بررسی‌های صورت گرفته در استان آذربایجان غربی طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰، تعداد شهرهای کوچک استان از یک شهر به پنج شهر افزایش یافته است. اما درصد جمعیت شهرهای کوچک از کل جمعیت شهری استان از ۲۰.۸۸ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۲۷.۴۶ درصد در سال ۱۳۴۵ رسیده و بعد از آن تا سال ۱۳۹۰ شاهد افت شدید درصد جمعیت این شهرها از کل جمعیت شهرنشین استان هستیم (جدول ۲).

با توجه به مؤلفه‌های مورد بررسی، ماهیت موضوع و اهداف تحقیق، رویکرد حاکم بر این پژوهش «توصیفی - تحلیلی» است. جامعه آماری پنج شهر کوچک استان آذربایجان غربی (تکاب، ماکو، سردشت، شاهین دژ و اشنویه) بوده که برای جمع آوری داده‌ها و اطلاعات از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) استفاده می‌شود. بنابراین، ابزار جمع‌آوری اطلاعات، کتاب، مجلات معتبر و مرتبط، ماهنامه‌ها، پایان‌نامه‌ها، و همچنین سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، سالنامه‌های آماری و غیره می‌باشد. ابتدا با استفاده از روش‌ها و مدل‌های کمی مانند شاخص‌های نخست شهری، مدل‌های مرتبه - اندازه، ضریب آنتروپی و کشش‌پذیری، جایگاه شهرهای کوچک (۵۰ - ۲۵ هزار نفر) در نظام شهری استان بررسی و تحلیل شده و سپس با بهره‌گیری از مدل ضریب مکانی به ارزیابی توان اقتصادی شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای استان پرداخته شده است.

۴. شناخت منطقه مورد مطالعه

استان آذربایجان غربی با وسعتی معادل ۳۷۴۱۱ کیلومتر مربع (بدون در نظر گرفتن دریاچه ارومیه)، در شمال غربی ایران، بین عرض‌های جغرافیایی ۳۵ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۳۹ درجه و

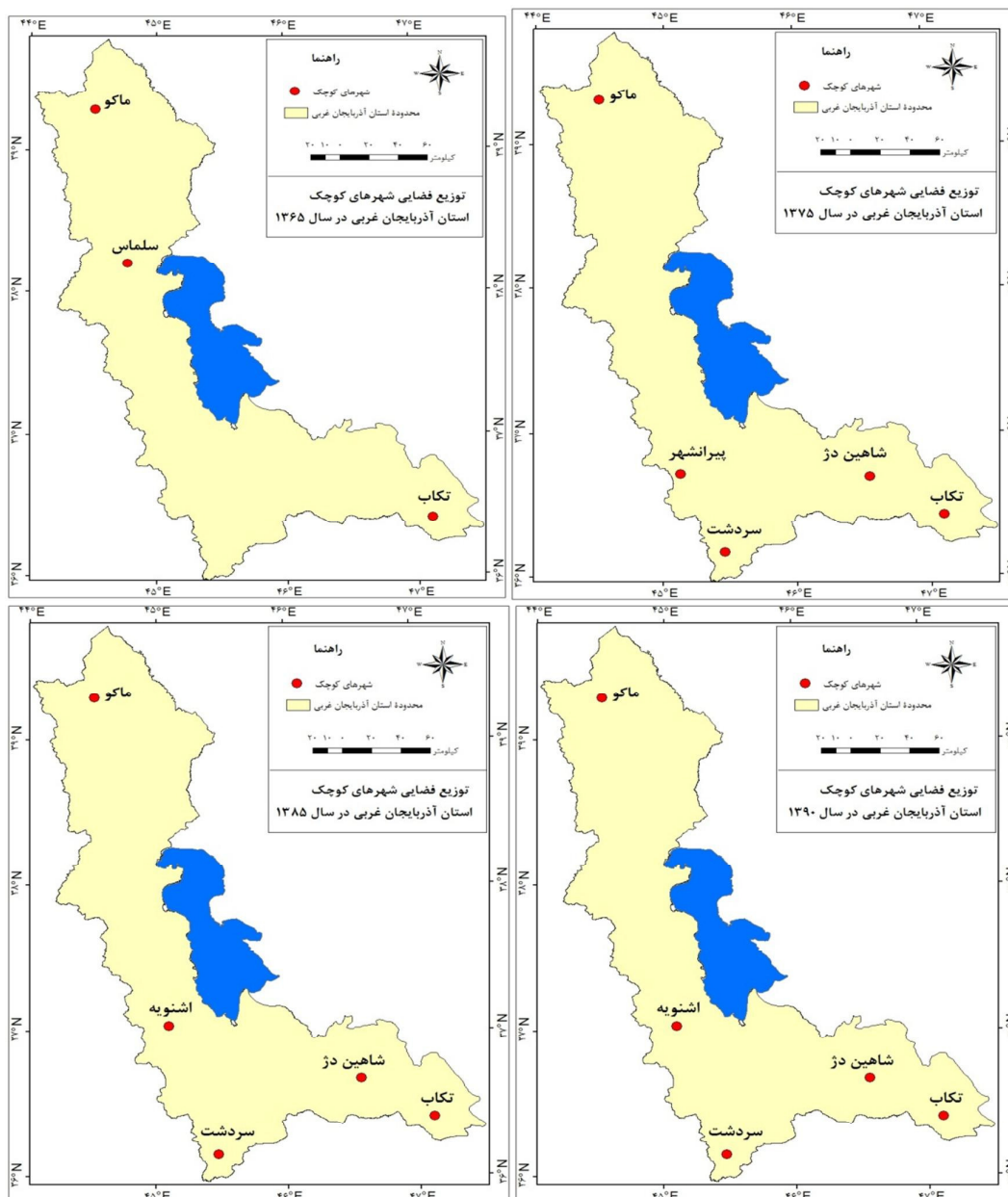


شکل (۱): موقعیت جغرافیایی استان آذربایجان غربی در کشور (منبع: نگارندگان)

جدول (۲): تعداد جمعیت و درصد جمعیت شهرهای کوچک استان آذربایجان غربی طی سال های ۱۳۹۰-۱۳۳۵

سال	تعداد شهرها	تعداد جمعیت	درصد از کل جمعیت شهری استان	اسامی شهرها
۱۳۳۵	۱	۳۴۴۹۱	۲۰.۸۸	خوی
۱۳۴۵	۲	۷۶۲۵۸	۲۷.۴۶	خوی، مهاباد
۱۳۵۵	۳	۹۹۴۴۴	۲۲.۲۶	سلماس، میاندوآب، مهاباد
۱۳۶۵	۳	۱۰۸۲۵۲	۱۱.۹۹	سلماس، تکاب، ماکو
۱۳۷۵	۵	۱۶۹۷۰۴	۱۲.۹۱	تکاب، ماکو، سردشت، شاهین دژ، پیرانشهر
۱۳۸۵	۵	۱۸۹۵۹۴	۱۰.۹۹	تکاب، ماکو، سردشت، شاهین دژ، اشنویه
۱۳۹۰	۵	۲۰۰۰۷۷	۱۰.۳۵	تکاب، ماکو، سردشت، شاهین دژ، اشنویه

(منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰-۱۳۳۵ و محاسبات نگارندگان)



شکل (۲): توزیع فضایی شهرهای کوچک استان آذربایجان غربی در سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰

در دوره‌های بعد نیز ادامه داشته و میزان این ضریب به زیر یک تنزل یافته و حتی در آخرین دوره مورد بررسی (۹۰-۱۳۸۵)، ضریب کشش‌پذیری شهر تکاب تا زیر صفر نیز کاهش یافته است. بررسی ضریب کشش‌پذیری جمعیت شهری استان براساس جمعیت کل استان در دوره‌های مورد بررسی نیز نشان می‌دهد که توان جمعیت‌پذیری تمام نقاط شهری استان همانند اکثر شهرهای کوچک از دوره اول (۴۵-۳۵) تا دوره سوم (۶۵-۵۵) افزایش یافته و به ۱.۹۷ رسیده و در دوره‌های بعد با فراز و نشیب همراه بوده است (جدول ۳).

با توجه به نتایج به دست آمده در طی این سال‌ها (جدول ۳)، میزان کشش‌پذیری و توان جذب جمعیت شهرهای کوچک استان دارای افت و خیزهایی بوده است، به طوری که در دوره ۴۵-۵۵ نسبت به دوره ۳۵-۴۵ ضریب کشش‌پذیری شهرهای تکاب، ماکو و اشنویه افزایش قابل توجهی داشته و در شهر سردشت کاهش سه دهمی در ضریب کشش‌پذیری وجود دارد. در دوره ۶۵-۵۵ ضریب کشش‌پذیری شهرهای تکاب، ماکو و سردشت کاهش یافته ولی این ضریب براساس نرخ رشد شهرهای شاهین دژ و اشنویه افزایش را نشان می‌دهد. ولی در دوره ۷۵-۶۵ به استثنای شهر سردشت در سایر شهرها کاهش در ضریب کشش‌پذیری به چشم می‌خورد. این روند

جدول (۳): نرخ رشد جمعیت شهری و ضریب کشش‌پذیری شهرهای کوچک استان آذربایجان غربی طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۳۵

شهرها	نرخ رشد و سال	کار	کجا	نرخ	کشش	شد	پذیری	کل استان
۳۵-۴۵	۲.۴۷	۲.۸۱	۸.۰۹	۳.۸	۴.۵۸	۴.۹۵	۴.۲	۴.۲
۴۵-۵۵	۷.۳۹	۵.۵۱	۵.۹۹	۳.۶۴	۵.۵۱	۴.۵	۲.۶۲	۲.۶۲
۵۵-۶۵	۹.۷۶	۷.۶۴	۵.۶۶	۸.۴	۸.۷۸	۶.۷۵	۳.۴۳	۳.۴۳
۶۵-۷۵	۲.۶۷	۲.۹۵	۵.۶۳	۴.۰۵	۳.۱۷	۳.۸۳	۲.۴	۲.۴
۷۵-۸۵	۰.۳۴	۲.۴۵	۲.۰۰۷	۱.۷۹	۲.۶۶	۲.۷۵	۱.۴۲	۱.۴۲
۸۵-۹۰	-۰.۰۰۱	۰.۰۸۹	۲.۲۷	۲.۰۷	۱.۳۳	۲.۳	۱.۴	۱.۴
۳۵-۴۵	۰.۴۹۹	۰.۵۶۸	۱.۶۳	۰.۷۶۸	۰.۰۰۹	۱.۱۸	-	-
۴۵-۵۵	۱.۶۴	۱.۲۲	۱.۳۳	۰.۸۰۹	۱.۲۲	۱.۷۲	-	-
۵۵-۶۵	۱.۴۴	۱.۱۳	۰.۸۳۸	۱.۲۴	۱.۳	۱.۹۷	-	-
۶۵-۷۵	۰.۶۹۷	۰.۷۷	۱.۴۷	۱.۰۶	۰.۸۲۸	۱.۶	-	-
۷۵-۸۵	۰.۱۲۴	۰.۸۹۱	۰.۷۳	۰.۶۵۱	۰.۹۶۷	۱.۹۴	-	-
۸۵-۹۰	۰	۰.۰۳۹	۰.۹۸۷	۰.۹	۰.۵۷۸	۱.۶۴	-	-

(منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰-۱۳۳۵ و محاسبات نگارندگان) ۵-۲. کارکرد جمعیتی شهرهای کوچک در نظام شهری استان

آذربایجان غربی

۵-۲-۱. توزیع فضایی جمعیت

به منظور تحلیل ویژگی‌های توزیع فضایی جمعیت در شبکه شهری استان از ضریب آنتروپی (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۹۲: ۱۸۵) استفاده شده است. برای ارزیابی دقیق تر تأثیرات شهرهای کوچک در پراکنش جمعیت در استان، این کار یک بار با احتساب شهرهای کوچک و یک بار بدون احتساب آنها محاسبه شده است. نتایج نشان می‌دهد در صورتی که کارکرد جمعیتی شهرهای کوچک نادیده گرفته شود، در مقایسه با نتایج ضریب آنتروپی با احتساب شهرهای کوچک استان، عدم تعادل در توزیع جمعیت بین شهرها افزایش می‌یابد، ولی به طور کلی در تمام طول دوره‌های مورد بررسی که از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۰ می‌باشد چه با

احتساب و چه بدون احتساب شهرهای کوچک استان آذربایجان غربی، ضریب آنتروپی کمتر از عدد یک بوده و به طرف صفر میل می کند (با احتساب شهرهای کوچک از ۰.۸۰۸ در سال ۱۳۳۵ به ۰.۶۶۹ در سال ۱۳۹۰ و بدون احتساب آنها از ۰.۷۶۱ در سال ۱۳۳۵ به ۰.۶۱۹ در سال ۱۳۹۰ رسیده است) که حکایت از افزایش تمرکز یا عدم تعادل در توزیع جمعیت بین شهرها در دوره های مورد بررسی دارد. ضریب آنتروپی با احتساب شهرهای کوچک، با وجود کاهش آن از ۰.۸ در سال ۱۳۳۵ به ۰.۷۸ در سال ۱۳۴۵، باز در

سال ۱۳۵۵ به ۰.۸ رسیده که حاکی از حرکت به سوی تعادل در توزیع جمعیت در نظام شهری استان می باشد. ولی این ضریب در سال ۱۳۶۵ باز به ۰.۷۸ و در سال ۱۳۷۵ به ۰.۷۷ کاهش پیدا کرده و نشانگر عدم تعادل در توزیع جمعیت در نظام شهری استان از سال ۱۳۶۵ به بعد می باشد و علت این امر تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ و میانی استان بوده و حتی افزایش تعداد شهرهای کوچک هم نتوانسته است در ایجاد توازن و تعادل در توزیع جمعیت مؤثر باشد (جدول ۴).

جدول (۴): محاسبات ضریب آنتروپی با احتساب و بدون احتساب شهرهای کوچک استان آذربایجان غربی

سال	شرح	ضریب آنتروپی
۱۳۳۵	با احتساب شهرهای کوچک	۰.۸۰۸
	بدون احتساب شهرهای کوچک	۰.۷۶۱
۱۳۴۵	با احتساب شهرهای کوچک	۰.۷۸۱
	بدون احتساب شهرهای کوچک	۰.۶۹۹
۱۳۵۵	با احتساب شهرهای کوچک	۰.۷۹۹
	بدون احتساب شهرهای کوچک	۰.۷۱۹
۱۳۶۵	با احتساب شهرهای کوچک	۰.۷۸۲
	بدون احتساب شهرهای کوچک	۰.۷۴۱
۱۳۷۵	با احتساب شهرهای کوچک	۰.۷۷۱
	بدون احتساب شهرهای کوچک	۰.۷۲۶
۱۳۸۵	با احتساب شهرهای کوچک	۰.۶۹۳
	بدون احتساب شهرهای کوچک	۰.۶۴۲
۱۳۹۰	با احتساب شهرهای کوچک	۰.۶۶۹
	بدون احتساب شهرهای کوچک	۰.۶۱۹

(منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۳)

۵-۲-۲. توزیع لگاریتمی رتبه - اندازه شهری

بر اساس مدل رتبه - اندازه شهری با احتساب شهرهای کوچک، شیب خط در سال ۱۳۵۵ برای ۱۴ شهر برابر ۱.۱۳۹- بوده که در سال ۱۳۶۵ به ۱.۳۲۲- برای ۲۰ شهر و در سال ۱۳۷۵ به ۱.۴۴۱- برای ۲۲ شهر و در سال ۱۳۸۵ به ۱.۷۷۴- برای ۳۶ شهر و در نهایت به ۱.۸۱۴- برای ۴۲ شهر افزایش یافته است. به طوری که، این روند طی دوره مورد بررسی، بیانگر افزایش نابرابری و عدم تعادل در نظام ساختار فضایی شهرهای استان آذربایجان غربی است. به منظور مطالعه روند و تأثیرات شهرهای کوچک در نظام شبکه شهری استان، این وضعیت بدون احتساب شهرهای کوچک نیز محاسبه گردید. نتایج

بر اساس الگوی رتبه - اندازه شهری (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۹۲: ۱۹۳-۱۸۶)، توزیع لگاریتمی و سلسله مراتبی شهرهای استان با احتساب شهرهای کوچک و بدون احتساب آنها مورد بررسی قرار گرفت. در سال ۸۵ جمعیت شهر ارومیه، ۳.۲ برابر دومین شهر (خوی) بوده که در سال ۹۰، به ۳.۳ برابر شهر خوی رسیده است. برابر داده های آماری سال ۱۳۹۰ جمعیت شهر ارومیه ۳.۹ برابر سومین شهر (بوکان)، ۴.۵ برابر چهارمین شهر (مهاباد)، ۵.۴ برابر پنجمین شهر (میاندوآب)، ۷.۶ برابر ششمین شهر (سلماس)، و ۸.۸ برابر هفتمین شهر (نقده) است.

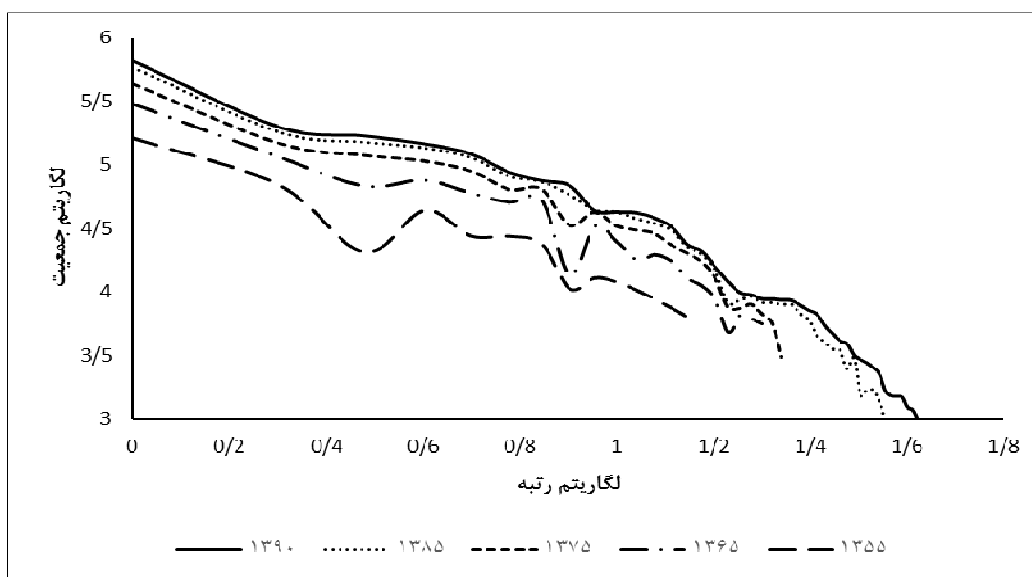
به منظور بررسی میزان نخست شهری در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰، از شاخص‌های نخست شهر، دو شهر، چهار شهر، چهار شهر، شهر مهتا، تمرکز هرفیندال، موماو و الوصابی و شاخص تسلط شهری (موسوی) استفاده شد (موسوی و باقری کشکولی، ۱۳۹۲: ۲۴۳-۲۳۷). مقادیر عددی این شاخص‌ها در استان آذربایجان غربی برای سال‌های مورد بررسی محاسبه گردید. نتیجه این محاسبات در جدول (۶) منعکس گردیده است. نتایج کلیه شاخص‌ها نشان می‌دهد که پدیده نخست شهری استان در سال‌های اولیه مورد مطالعه (۱۳۳۵)، چندان چشمگیر نبوده و حتی تا سال ۱۳۷۵ میزان آن در حال کاهش بوده اما بعد از سال ۱۳۷۵ شدت این نخست شهری تا سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است (جدول ۶).

بیانگر اثرات نه چندان زیاد شهرهای کوچک در تعادل فضایی و توزیع منظم سلسله مراتب شهری است. به طوری که، شیب خط در سال‌های ۵۵، ۶۵، ۷۵، ۸۵ و ۹۰، به ترتیب ۱.۳۱۱-، ۱.۴۶۷-، ۱.۷۰۴-، ۱.۹- و ۱.۸۹۹- بوده است. می‌توان گفت در تمام سال‌های مذکور، عدم تعادل در شیب خط رگرسیون در نظام شهری استان آذربایجان غربی برقرار بوده است، که دلیل آن افزایش بیش از حد جمعیت شهر نخست؛ ارومیه بوده است (جدول ۵)؛ که طی سال‌های گذشته به علت زمینه‌های مناسب سیاسی - اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و خدماتی - رفاهی باعث جذب جمعیت شده و شهرها را از قانون مرتبه - اندازه دور کرده است. نتیجه آن تجمع کالاها و خدمات و امکانات در مراکز بزرگ و کمبود امکانات در سکونتگاههای کوچکتر و گسیختگی پیوند فضایی شهر و روستا است.

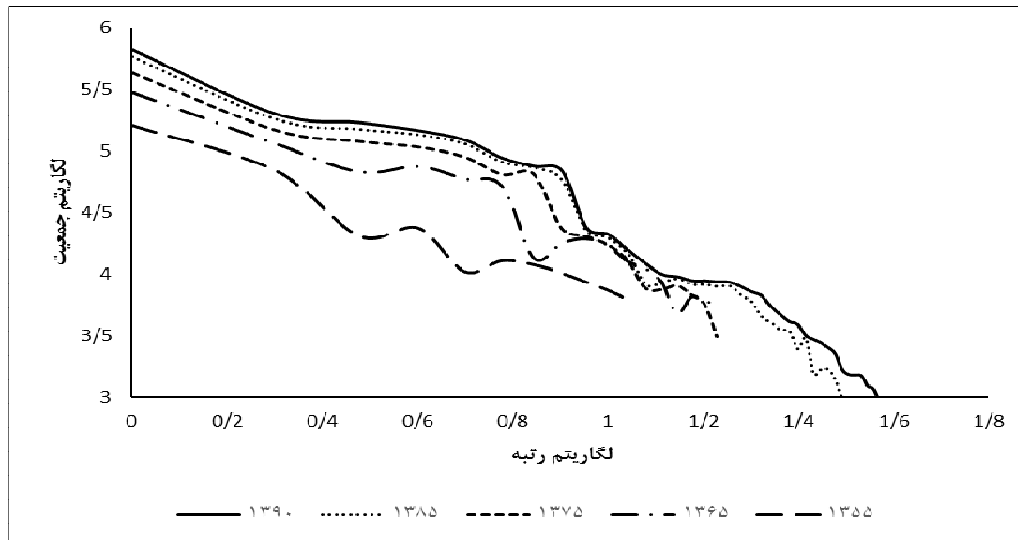
جدول (۵): معادله خط توزیع لگاریتمی رتبه - اندازه شهرها برای نظام شهری استان طی سال‌های ۹۰ - ۱۳۵۵

بدون احتساب شهرهای کوچک	با احتساب شهرهای کوچک	توضیح سال
$Y = -1/3106x + 5/1411$	$Y = -1/139x + 5/1843$	۱۳۵۵
$Y = -1/467x + 5/5951$	$Y = -1/3224x + 5/5849$	۱۳۶۵
$Y = -1/7045x + 5/8872$	$Y = -1/4406x + 5/8291$	۱۳۷۵
$Y = -1/9004x + 6/1383$	$Y = -1/7744x + 6/1799$	۱۳۸۵
$Y = -1/8986x + 6/1938$	$Y = -1/8145x + 6/2636$	۱۳۹۰

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳)



شکل (۳): توزیع لگاریتمی رتبه - اندازه شهرهای استان آذربایجان غربی با احتساب شهرهای کوچک



شکل (۴): توزیع لگاریتمی رتبه - اندازه شهرهای استان آذربایجان غربی بدون احتساب شهرهای کوچک

جدول (۶): بررسی میزان نخست شهری در استان آذربایجان غربی در فاصله سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۳۵

شاخص سال	شاخص نخست شهر	شاخص دو شهر	شاخص چهار شهر	شاخص چهار شهر مهتا	شاخص مرکز هوبندال	شاخص موماو و الوصایی	شاخص تسلط شهری موسوی
۱۳۳۵	۰.۴۰۹	۱.۹۶۰	۰.۹۷۱	۰.۴۹۳	۰.۲۴۳	۲.۹۰۶	۱.۴۰۲
۱۳۴۵	۰.۳۹۹	۲.۳۲۴	۱.۱۳۱	۰.۵۳۱	۰.۲۱۵	۳.۱۴۸	۱.۵۵۸
۱۳۵۵	۰.۳۶۸	۲.۳	۱.۱۵	۰.۵۳۶	۰.۱۸۶	۳.۲۶	۱.۴۱
۱۳۶۵	۰.۳۳۳	۲.۶	۱.۱۶	۰.۵۳۷	۰.۱۵۵	۲.۹۰	۱.۶۲
۱۳۷۵	۰.۳۳۰	۲.۹	۱.۱۵	۰.۵۳۵	۰.۱۵۱	۲.۵۶	۱.۸۰
۱۳۸۵	۰.۳۳۸	۳.۲۱	۱.۲۴	۰.۵۵۴	۰.۱۵۲	۲.۶۶	۴.۱۴۰
۱۳۹۰	۰.۳۴۵	۳.۳۲	۱.۲۹	۰.۵۶۳	۰.۱۵۵	۲.۷۳	۴.۹۳

(منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰-۱۳۳۵ و محاسبات نگارندگان)

۷.۶ برابر ششمین شهر (سلماس)، و ۸.۸ برابر هفتمین شهر (نقده) و ۶۹۴ برابر آخرین شهر یا شهر ۴۲ام (خلیفان) است. برای رسیدن به یک سیستم سلسله‌مراتبی متعادل در پهنه نظام شهری استان به استفاده از مدل رتبه - اندازه تعدیل یافته خانم دکتر بهفروز (موسوی و باقری کشکولی، ۱۳۹۲: ۲۵۱)، مبادرت شده است که میزان اضافی جمعیت اولین شهر و کمبود یا مازاد جمعیت سایر شهرها را مشخص می‌نماید. نتایج مدل نشان می‌دهد که شهر ارومیه حدود ۲۱۹۳۸۳ نفر اضافه جمعیت و شهر دوم (خوی) حدود ۲۳۱۰۰ نفر کمبود جمعیت دارد (والی آخر) تا در یک سلسله‌مراتب منظم شهری قرار گیرد (جدول ۷).

به منظور تجزیه و تحلیل سلسله‌مراتب شهری در استان از مدل قانون رتبه - اندازه (جرج زیف)، استفاده گردید (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۹۲: ۱۸۷). البته این فرمول در نظام شهری استان آذربایجان غربی که دارای الگوی نخست شهری است نمی‌تواند درست باشد و شهرهای درجه دوم، سوم تا درجه چهارم و دوم توزیع اندازه جمعیت شهری استان از شهر نخست (ارومیه)، پیروی نمی‌کند. جمعیت شهر ارومیه، ۳.۳ برابر دومین شهر (خوی)، ۳.۹ برابر سومین شهر (بوکان)، ۴.۵ برابر چهارمین شهر (مهاباد)، ۵.۴ برابر پنجمین شهر (میاندوآب)،

جدول (۷): توزیع جمعیت شهرهای استان آذربایجان غربی بر اساس مدل رتبه - اندازه و رتبه - اندازه تعدیل یافته در سال ۱۳۹۰

رتبه	شهرها	جمعیت واقعی ۹۰	مدل رتبه - اندازه - جمعیت ۹۰	تفاضل رتبه اندازه و واقعی	مدل تعدیل یافته ۹۰	تفاضل جمعیت واقعی و مدل تعدیل یافته
۱	ارومیه	۶۶۷۴۹۹	۶۶۷۴۹۹	۰	۴۴۸۱۱۶	۲۱۹۳۸۳
۲	خوی	۲۰۰۹۵۸	۳۳۳۷۵۰	-۱۳۲۷۹۲	۲۲۴۰۵۸	-۲۳۱۰۰
۳	بوکان	۱۷۰۶۰۰	۲۲۲۵۰۰	-۵۱۹۰۰	۱۴۹۳۷۲	۲۱۲۲۸
۴	مهاباد	۱۴۷۲۶۸	۱۶۶۸۷۵	-۱۹۶۰۷	۱۱۲۰۲۹	۳۵۲۳۹
۵	میاندوآب	۱۲۳۰۸۱	۱۳۳۵۰۰	-۱۰۴۱۸۱۸	۸۹۶۲۳	۳۳۴۵۸
۶	سلماس	۸۸۱۹۶	۱۱۱۲۵۰	-۲۳۰۵۴	۷۴۶۸۶	۱۳۵۱۰
۷	نقده	۷۵۵۵۰	۹۵۳۵۷	-۱۹۸۰۷	۶۴۰۱۷	۱۱۵۳۳
۸	پیرانشهر	۶۹۰۴۹	۸۳۴۳۷	-۱۴۳۸۸	۵۶۰۱۵	۱۳۰۳۴
۹	تکاب	۴۴۰۴۰	۷۴۱۶۷	-۳۰۱۲۷	۴۹۷۹۱	-۵۷۵۱
۱۰	ماکو	۴۲۷۵۱	۶۶۷۵۰	-۲۳۹۹۹	۴۴۸۱۲	-۲۰۶۱
۱۱	سردشت	۴۲۱۶۷	۶۰۶۸۲	-۱۸۵۱۵	۴۰۷۳۸	۱۴۲۹
۱۲	شاهین دژ	۳۸۲۹۶	۵۵۶۲۵	-۱۷۲۲۹	۳۷۲۴۳	۱۰۵۳
۱۳	اشنویه	۳۲۷۲۳	۵۱۳۴۶	-۱۸۶۲۳	۳۴۴۷۰	-۱۷۴۷
۱۴	قره ضیاءالدین	۲۳۷۶۹	۴۷۶۷۹	-۲۳۹۱۰	۳۲۰۰۸	-۸۲۳۹
۱۵	شوط	۲۱۰۴۷	۴۴۵۰۰	-۲۳۴۵۳	۲۹۸۷۴	-۸۸۲۷
۱۶	سیه چشمه	۱۵۷۸۶	۴۱۷۱۹	-۲۵۹۳۳	۲۸۰۰۷	-۱۲۲۲۱
۱۷	ریط	۱۲۰۶۸	۳۹۲۶۵	-۲۷۱۹۷	۲۶۳۶۰	-۱۴۲۹۲
۱۸	پلدشت	۹۹۶۳	۳۷۰۸۳	-۲۷۱۲۰	۲۴۹۹۵	-۱۴۹۳۲
۱۹	بازرگان	۹۵۵۱	۳۵۱۳۲	-۲۵۵۸۱	۲۳۵۸۵	-۱۴۰۳۴
۲۰	تازه شهر	۸۸۶۴	۳۳۳۷۵	-۲۴۵۱۱	۲۲۴۰۶	-۱۳۵۴۲
۲۱	فیروزق	۸۸۳۷	۳۱۷۸۶	-۲۲۹۴۹	۲۱۳۳۹	-۱۲۵۰۲
۲۲	چهاربرج	۸۶۸۱	۳۰۳۴۱	-۲۱۶۶۰	۲۰۳۶۹	-۱۱۶۸۱
۲۳	محمدیار	۸۶۰۴	۲۹۰۲۲	-۲۰۴۱۸	۱۹۴۸۴	-۱۰۸۸۰
۲۴	دیزج دیز	۷۸۹۶	۲۷۸۱۲	-۱۹۹۱۷	۱۸۶۷۲	-۱۰۷۷۶
۲۵	نوشین	۷۱۸۳	۲۶۷۰۰	-۱۹۵۱۷	۱۷۹۲۵	-۱۰۷۴۲
۲۶	محمود آباد	۶۶۸۰	۲۵۶۷۳	-۱۸۹۹۳	۱۷۲۳۵	-۱۰۵۵۵
۲۷	میر آباد	۵۴۳۰	۲۴۷۲۲	-۱۹۲۹۲	۱۶۵۹۷	-۱۱۱۶۷
۲۸	قطور	۴۶۶۳	۲۳۸۳۹	-۱۹۱۷۶	۱۶۰۰۴	-۱۱۳۴۱
۲۹	باروق	۴۱۱۸	۲۳۰۱۷	-۱۸۸۹۹	۱۵۴۵۲	-۱۱۳۳۴
۳۰	کشاووز	۳۹۰۴	۲۲۲۵۰	-۱۸۳۴۶	۱۴۹۳۷	-۱۱۰۳۳
۳۱	ایواوغلی	۳۱۶۷	۲۱۵۳۲	-۱۸۳۶۵	۱۴۴۵۵	-۱۱۲۸۸
۳۲	نالوس	۲۹۳۸	۲۰۸۵۹	-۱۷۹۲۱	۱۴۰۰۴	-۱۱۰۶۶
۳۳	نازک علیا	۲۷۶۱	۲۰۲۲۷	-۱۷۴۶۶	۱۳۵۷۹	-۱۰۸۱۸
۳۴	قوشچی	۲۵۲۶	۱۹۶۳۲	-۱۷۱۰۶	۱۳۱۸۰	-۱۰۶۵۴
۳۵	موتگنلر	۲۲۴۷	۱۹۰۷۱	-۱۶۸۲۴	۱۲۸۰۴	-۱۰۵۵۷
۳۶	گردکشانه	۱۶۷۳	۱۸۵۴۲	-۱۶۸۶۹	۱۲۴۴۸	-۱۰۷۷۵
۳۷	سرو	۱۵۳۰	۱۸۰۴۱	-۱۶۵۱۱	۱۲۱۱۱	-۱۰۵۸۱
۳۸	آواجیق	۱۵۱۶	۱۷۵۶۶	-۱۶۰۵۰	۱۱۷۹۳	-۱۰۲۷۷
۳۹	سبلوانه	۱۴۹۰	۱۷۱۱۵	-۱۵۶۲۵	۱۱۴۹۰	-۱۰۰۰۰
۴۰	زرآباد	۱۲۳۹	۱۶۶۸۷	-۱۵۴۴۹	۱۱۲۰۳	-۹۹۶۴
۴۱	سیمینه	۱۱۷۳	۱۶۲۸۰	-۱۵۱۰۸	۱۰۹۳۰	-۹۷۵۷
۴۲	خلیفان	۹۶۲	۱۵۸۹۳	-۱۴۹۳۱	۱۰۶۷۰	-۹۷۰۸

(منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰ و محاسبات نگارندگان)

۵ - ۳. کارکرد اقتصادی شهرهای کوچک در نظام

شهری استان آذربایجان غربی

تعداد شاغلان در بخش‌های مختلف اقتصادی، متغیری است که تأثیرات کارکردهای اقتصادی را در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی بیان می‌کند. در این بررسی، برای شناسایی و ارزیابی میزان توانایی و قابلیت اقتصادی شهرهای کوچک استان آذربایجان غربی در سطح منطقه‌ای از روش ضریب مکانی (زیاری، ۱۳۸۸: ۱۱۸) در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات استفاده شده است.

طبق جدول (۸)، در سال ۱۳۸۵ بخش کشاورزی در تمام شهرهای کوچک استان بجز شهر سردشت، جزء بخش پایه اقتصادی است. در زمینه صنعت نیز شهرهای تکاب، ماکو و شاهین دژ دارای فعالیت پایه می‌باشد. بخش خدمات در شهر

سردشت جزء فعالیت‌های پایه‌ای است، که عدم توجه دولت به بخش کشاورزی و صنعت موجب گرایش به بخش خدمات در این شهر بوده است. بنابراین، در سال ۱۳۸۵ بخش‌های کشاورزی و تا حدودی صنعت جزء فعالیت‌های پایه‌ای است. اما این روند در سال ۱۳۹۰ با کاهش چشمگیر شاغلین در بخش کشاورزی مواجه بوده است. در زمینه فعالیت‌های صنعتی نیز بجز سردشت بقیه شهرها کاهش چشمگیری در این بخش داشته‌اند، اگرچه فقط در تکاب و شاهین دژ جزء فعالیت‌های پایه‌ای بوده است. به طوری که در این سال، تنها بخش خدمات به عنوان فعالیت‌های پایه‌ای نقش بارزتری را در توسعه شهرهای کوچک استان داشته است.

جدول (۸): محاسبات تغییرات ضریب مکانی در شهرهای کوچک استان آذربایجان غربی، سال‌های ۹۰-۱۳۸۵

نقاط شهری	۱۳۸۵			۱۳۹۰		
	کشاورزی	صنعت	خدمات	کشاورزی	صنعت	خدمات
تکاب	۱.۱۷	۱.۳۶	۰.۶۸	۰.۵۷	۱.۰۶	۱.۱۹
ماکو	۱.۰۲	۱.۰۸	۰.۹۴	۰.۱۸	۰.۶۴	۱.۷۲
سردشت	۰.۹۶	۰.۶۷	۱.۲۱	۰.۳۵	۰.۷۶	۱.۴۱
شاهین دژ	۱.۱۹	۱.۲۹	۰.۷۰	۰.۳۹	۱.۰۷	۱.۲۸
اشنویه	۱.۵۲	۰.۶۲	۰.۸۸	۰.۵۷	۰.۷۶	۱.۳۷
میاتگین	۱.۱۷	۱	۰.۸۸	۰.۴۱	۰.۸۶	۱.۳۹

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳)

۵. بحث و نتیجه گیری

هدف این تحقیق، بررسی نقش شهرهای کوچک استان آذربایجان غربی در سازمان یابی فضایی و توسعه منطقه‌ای است. بنا بر محاسبات انجام شده و با بررسی جداول، تعداد شهرهای کوچک با جمعیت ۵۰-۲۵ هزار نفر در سال ۱۳۹۰ حدود ۵ شهر (تکاب، ماکو، سردشت، شاهین دژ، اشنویه)، بوده است. برابر داده‌های آماری، این شهرها حدود ۱۰.۳۵ درصد از جمعیت شهری استان را به خود اختصاص داده است. در این میان شهر سردشت بیشترین ضریب کشش پذیری و جذب جمعیت را دارا بوده است. نتایج حاصل از

محاسبات ضریب آنتروپی نشان می‌دهد که اگر کارکردهای جمعیتی شهرهای کوچک نادیده گرفته شود، استان آذربایجان غربی در تمام دوره‌های زمانی مورد مطالعه (۹۰-۱۳۳۵) از تعادل و توازن جمعیت در کانون‌های شهری دور می‌شود که نتایج حاصل از مدل توزیع لگاریتمی رتبه - اندازه شهری همین موضوع را تأیید می‌کند؛ به طوری که شیب خط رتبه - اندازه در سال ۱۳۹۰ از ۱.۸۱۴- با احتساب شهرهای کوچک به ۱.۸۹۸- بدون احتساب شهرهای کوچک افزایش می‌یابد. به منظور بررسی میزان نخست شهری در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰، از شاخص‌های نخست شهر، دو شهر، چهار شهر، چهار

وجود ندارد تا با جذب مهاجران روستایی از افزایش نامتعادل جمعیت شهر ارومیه بکاهد.

منابع

۱. ابراهیم زاده، عیسی و همکاران (۱۳۹۱)؛ «تحلیل کارکردی از نقش اقتصادی شهرهای کوچک در توسعه روستایی مطالعه موردی: زاهدشهر در بخش شییکوه فسا»؛ جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، شماره ۴۶، صص ۱۷۲-۱۵۱.
۲. اسماعیل زاده، حسن (۱۳۸۷)؛ «نقش کارکردهای شهری در توسعه روستایی در منطقه بناب (از دیدگاه الگوی (UFRD))»؛ رشد آموزش جغرافیا، شماره ۸۴، صص ۳۳-۲۶.
۳. تقوایی، مسعود و مریم رضایی (۱۳۸۷)؛ «نقش شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای»؛ مجله بنا، شماره سی و هفتم.
۴. حسین آبادی و همکاران (۱۳۹۱)؛ «تحلیلی بر نقش شهرهای کوچک در توسعه اقتصادی - اجتماعی روستاهای پیرامون»؛ مطالعه موردی: شهرستان قیرو کارزین»؛ مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال چهارم، شماره سیزدهم، تابستان ۱۳۹۱، صص ۱۲۶-۱۱۵.
۵. حکمت نیا، حسن و میرنجف موسوی (۱۳۹۲)؛ کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه‌ای، چاپ سوم، آزاد پیمان، تهران.
۶. دیوسالار، اسدالله و همکاران (۱۳۸۹)؛ «نقش شهرهای کوچک در توسعه روستاهای پیرامونی»؛ (مورد مطالعه شهر چمستان، دهستان ناتل رستاق)؛ فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال دوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۹، صص ۷۴-۵۷.
۷. روستایی، شهریور و محمد باقری (۱۳۸۹)؛ «بررسی عملکرد شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای»؛ (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان رزن)؛ فصلنامه جغرافیایی چشم انداز زاگرس، سال دوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۹، صص ۲۱-۵.
۸. زالی، نادر (۱۳۸۹)؛ «رویکرد آمایشی در تحلیل نظام شهری با تأکید بر مفهوم مناطق همگن و اداری»؛ مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره چهارم، بهار ۱۳۸۹، صص ۹۴-۷۷.

شهر مهتا، تمرکز هرفیندال، موماو و الوصابی و شاخص تسلط شهری (موسوی) استفاده شد. نتایج کلیه شاخص‌ها نشان می‌دهد که پدیده نخست شهری استان در سال‌های اولیه مورد مطالعه (۱۳۳۵)، چندان چشمگیر نبوده و حتی تا سال ۱۳۷۵ میزان آن در حال کاهش بوده اما بعد از سال ۱۳۷۵ شدت این نخست شهری تا سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. نتایج مدل رتبه - اندازه تعدیل یافته خانم دکتر بهفروز نشان می‌دهد که شهر ارومیه حدود ۲۱۹۳۸۳ نفر اضافه جمعیت و شهر دوم (خوی) حدود ۲۳۱۰۰ نفر کمبود جمعیت دارد (و الی آخر) تا در یک سلسله مراتب منظم شهری قرار گیرد.

به لحاظ کارکرد اقتصادی، نقش غالب شهرهای کوچک در سال ۱۳۹۰ خدمات بوده است. بخش‌های کشاورزی و صنعت در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۵ روند نزولی داشته است. شهرهای کوچک در نظام شهری استان تأثیرات مثبتی داشته است و آنچه که کارکرد این شهرها را تا حدود زیادی کم رنگ نموده است افزایش بیش از حد جمعیت شهر نخست؛ ارومیه بوده است؛ که طی سال‌های گذشته به علت زمینه‌های مناسب سیاسی - اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و خدماتی - رفاهی باعث جذب جمعیت شده و شهرها را از قانون مرتبه - اندازه دور کرده است. نتیجه آن تجمع کالاها و خدمات و امکانات در مراکز بزرگ و کمبود امکانات در سکونتگاههای کوچکتر و گسیختگی پیوند فضایی شهر و روستا است. غلبه بر این نابرابری و مشکلات و رسیدن به توسعه متعادل منطقه ای، علاوه بر تمرکز زدایی از شهر ارومیه، تزریق امکانات و سرمایه به سوی شهرهای کوچک بهترین راه حل است که با تقویت هر یک از این شهرهای کوچک می‌توان خلأ سلسله مراتب سکونتگاهی را در نظام شهری استان پر نمود. همچنین با توجه به نحوه پراکنش فضایی شهرهای کوچک استان آذربایجان غربی مشاهده می‌شود که هیچ شهر کوچکی با جمعیت ۲۵۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ نفر در بخش‌های مرکزی استان

۹. زیاری، کرامت ا... و جعفر تقی اقدم (۱۳۸۷)؛ «عملکرد شهر میانی خوی در توسعه فضایی استان آذربایجان غربی»؛ پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳، بهار ۱۳۸۷، صص ۲۸-۱۵.
۱۰. زیاری، کرامت‌الله (۱۳۸۸)، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، چاپ هشتم، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۱. سرابی، محمد حسین و محمد اسکندری ثانی (۱۳۸۶)؛ «تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک و نقش آن در تعادل بخشی ناحیه‌ای؛ موردشناسی: ریوش شهرستان کاشمر»؛ جغرافیا و توسعه، شماره ۱۰، صص ۱۸۲-۱۶۵.
۱۲. صدر موسوی، میر ستار و میرحیدر طالب زاده (۱۳۸۵)؛ «نقش شهرهای کوچک در توسعه فضایی استان آذربایجان غربی؛ نمونه موردی: شهر ماکو»؛ جغرافیا و برنامه ریزی، شماره ۲۱، صص ۱۰۲-۷۵.
۱۳. ضرابی، اصغر و میر نجف موسوی (۱۳۸۸)؛ «بررسی کارکرد شهرهای کوچک در نظام شهری و توسعه منطقه‌ای؛ (مطالعه موردی: استان یزد)»؛ جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، سال ۲۰، شماره پیاپی ۳۴، شماره ۲، صص ۱۸-۱.
۱۴. عربشاهی، زهرا (۱۳۸۶)؛ «زیربنایی: توجه به شهرهای متوسط و کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای»؛ هفته نامه برنامه، سال ششم، شماره ۲۳۱، صص ۱۹-۱۷.
۱۵. فتی، زهره (۱۳۸۲)، شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران.
۱۶. کلانتری، خلیل و غلامحسین عبدالله زاده (۱۳۹۱)، برنامه ریزی فضایی و آمایش سرزمین، فرهنگ صبا، تهران.
۱۷. محمدی یگانه، بهروز و اکبر حسین زاده (۱۳۹۲)؛ «نقش عملکردی روستا - شهرها در توسعه روستاهای پیرامونی؛ (مورد مطالعه: شهر زرین رود، شهرستان خداآهنه)»؛ برنامه ریزی منطقه‌ای، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۶۴-۵۵.
۱۸. مرصوصی، نفیسه و محمد غلامی (۱۳۸۹)؛ «بررسی نقش شهرهای کوچک در نظام شهرنشینی و توسعه منطقه‌ای؛ (مطالعه موردی: استان فارس)»؛ سومین همایش ملی جغرافیا و رویکرد علمی به توسعه پایدار، ۱۳۸۹ پیرانشهر.
۱۹. مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، اطلاعات رایانه‌ای.
۲۰. موسوی، میرنجف و علی باقری کشکولی (۱۳۹۲)، روش‌های تحلیل جمعیت در برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای، چاپ دوم، آراد کتاب، تهران.
۲۱. نظریان، اصغر (۱۳۷۵)؛ «جایگاه شهرهای کوچک در سازماندهی فضایی و توسعه ملی؛ (مورد: استان زنجان)»؛ تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۲، صص ۷۱-۴۸.
۲۲. نوری، هدایت‌الله و همکاران (۱۳۸۸)؛ «نقش شهرهای کوچک در تعادل بخشی نظام سکونتگاهی روستایی استان یزد»؛ جغرافیا و توسعه، شماره ۱۳، صص ۷۸-۶۱.
۲۳. نیک سرشت، مهدی و همکاران (۱۳۹۱)؛ «تحلیل و ارزیابی کارکرد شهرهای کوچک در توسعه روستاهای پیرامونی (نمونه موردی: شهر سراپله - شهرستان شیروان - چرداول)»؛ برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شماره ۷، صص ۶۴-۵۳.